

بازخوانی و بررسی انواع تناسب معنایی فواصل با محتوای آیات در تفسیر نمونه

علی اصغر آخوندی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شاهرود

ali15as51@shahroodut.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین و طبقه‌بندی انواع روابط معنایی میان جملات پایانی (فواصل) آیات قرآن کریم و محتوای آنها، بر اساس تفسیر نمونه، انجام شده است. پرسش محوری عبارت است از این که نگاه مفسران در یکی از مهم‌ترین تفاسیر فارسی معاصر به فواصل قرآنی و ارتباط معنایی آن‌ها با محتوای آیات چگونه است؟ آیا می‌توان نوع نگرش آن‌ها را به عنوان یک مدل ارتباط معنایی ارائه کرد؟ این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد متن‌محور انجام شده است. داده‌ها با گزینش هدفمند آیاتی از تفسیر نمونه که در آنها مفسران به ارتباط فاصله و محتوا تصریح کرده‌اند، گردآوری و سپس بر اساس اشتراکات معنایی در دو دسته اصلی «مناسبت‌های ساختاری-موضوعی» و «مناسبت‌های مخاطبی-کنشی» دسته‌بندی و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در تفسیر نمونه، فواصل آیات دارای کارکردهای معنایی متنوع و ساختاریافته‌ای هستند. این کارکردها در حوزه مناسبت‌های ساختاری-موضوعی شامل تأکید، تعلیل، تفسیر و تبیین، تکمیل‌سازی و نتیجه‌گیری می‌شود. در حوزه مناسبت‌های مخاطبی-کنشی نیز کارکردهایی همچون تشویق، تحذیر، تهدید، تسلیت و دلگرمی و سرزنش مشاهده می‌گردد. این پیوندها نه تنها به انسجام درونی آیات کمک می‌کنند، بلکه به عنوان ابزاری تفسیری برای توضیح مقاصد الهی و هدایت مخاطب به کار می‌روند. در نتیجه این مطالعه باید اذعان نمود که توجه به رابطه معنایی فاصله و محتوا در تفسیر نمونه، الگویی نظام‌مند برای درک لایه‌های عمیق‌تر معانی قرآنی ارائه می‌دهد. دسته‌بندی ارائه‌شده در این پژوهش می‌تواند مبنایی برای مطالعات تطبیقی در سایر تفاسیر و نیز تقویت روش‌های تحلیل متن در حوزه علوم قرآنی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: فواصل آیات، تفسیر نمونه، روابط معنایی، تناسب ساختاری-موضوعی، تناسب

مخاطبی-کنشی

مقدمه

دانش تناسب یکی از مباحث بنیادین در علوم قرآنی است که نقش بسزایی در درک عمیق‌تر مفاهیم قرآن ایفا می‌کند. ارتباط میان محتوای آیات و فواصل آن‌ها نیز یکی از موضوعات فرعی این دانش است. از آنجا که قرآن، کلام خداوند حکیم است، فواصل آن به‌طور حتم با محتوای آیات تناسب و پیوند دارد. نبود این هماهنگی می‌تواند با حکمت بی‌نظیر کتاب الهی ناسازگار باشد، چرا که سخن حکیمانه از انسجام و پیوستگی برخوردار است. این پیوند، به‌ویژه در محدوده یک آیه، اجزای آن را در هماهنگی کامل قرار می‌دهد.

فواصل آیات به‌عنوان بخشی از ساختار قرآن، نه‌تنها در ایجاد انسجام صوتی و آهنگین نقش دارند، بلکه کارکردهای معنایی و بلاغی نیز دارند. این تصور که همه جملات پایانی از نظر ارتباط با مضمون آیات یکسان هستند، نادرست است. بررسی دقیق نشان می‌دهد که فواصل از جنبه ارتباط معنایی با محتوای آیات خود در دو کلان‌دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. برخی از گونه‌های این پیوند مانند تعلیل، تأکید، متمیم، تفریع و توضیح به جنبه ساختاری - موضوعی محتوای آیه برمی‌گردد. برخی فواصل دیگر با توجه به مخاطبان آیه یا کسانی که درباره آن‌ها سخن گفته شده است، می‌توانند حالات کنشی مختلفی چون تنبیه، تهدید، تحریک یا تشویق داشته باشند.

اهمیت این بحث در آن است که شناخت انواع این ارتباطها و نقش معنایی فواصل، می‌تواند خواننده را به درکی روشن‌تر و منسجم‌تر از مقاصد الهی در قرآن هدایت کند و افق‌های جدیدی برای پژوهش‌های قرآنی بگشاید.

این پژوهش با هدف بررسی تناسب معنایی فواصل آیات در تفسیر نمونه انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که مفسران این تفسیر چگونه تناسب‌های معنایی فواصل را با محتوای آیات تحلیل کرده‌اند و این ارتباطها در چه دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند؟ روش پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. بدین منظور، پس از مطالعه تفسیر نمونه، آیاتی که مفسران به فواصل آن‌ها توجه داشته‌اند، شناسایی و به‌عنوان نمونه‌های منتخب مورد بررسی قرار گرفته است و آنگاه سعی شده است مدل گونه‌های تناسب معنایی فواصل با محتوای آیات در این تفسیر کشف گردد.

پیشینه پژوهش

موضوع تناسب معنایی میان فواصل و محتوای آیات، پیشینه‌ای طولانی در علوم قرآنی دارد. در کتاب‌های علوم قرآنی مانند البرهان فی علوم القرآن زرکشی و الاتقان فی علوم القرآن سیوطی و التمهید فی علوم القرآن آیت‌الله معرفت به صورت گذرا به این موضوع اشاره شده است. در جهان عرب تکنگاری‌هایی مانند الفواصل از دکتر حسین نصار، الفاصله القرآنیة از عبدالفتاح لاشین، فاصله فی القرآن از محمد الحسناوی، الفواصل القرآنیة از سید خضر، الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة از جمال محمود ابوحسان به چاپ رسیده که علاوه بر جنبه‌های اعجاز بیانی و موسیقایی به دلالت‌ها و تناسب معنایی فواصل نیز پرداخته شده است. در سال‌های اخیر پایان‌نامه‌های زیادی در دانشگاه غزه با عنوان المناسبه بین فاصله القرآنیة و آیاتها در جنبه‌های بلاغی و تناسب معنایی فواصل در سوره‌های مختلف دفاع شده است. در فارسی نیز می‌توان به دو کتاب بلاغت و فواصل از جواد طاهرخانی و فواصل، حُسن ختام آیات به قلم علی اصغر آخوندی اشاره کرد که آنها نیز به مباحث کلی این موضوع پرداخته و وارد مباحث جزئی سوره‌ها نشده‌اند. برخی از مقالاتی که به تناسب و ارتباط معنایی فواصل پرداخته‌اند نیز عبارتند از:

«ارتباط معنایی اسمای حسناى خداوند در فواصل آیات با محتوای آنها» از سید عبدالرسول حسینی‌زاده (۱۳۹۵): این مقاله به تأثیر شگفت‌انگیز اسمای حسناى الهی در فواصل آیات و ارتباط آنها با محتوای آیات پرداخته و بر نقش بلاغی و زیبایی‌شناختی این ارتباط تأکید دارد.

«رابطه فاصله آیات قرآن کریم با معنا» نوشته فواد عبدالله‌زاده، فرهاد عبدالله‌زاده و حیدر عبدالله‌زاده (۱۳۹۶): این پژوهش با رویکردی معناشناختی، تأثیر فواصل آیات بر فهم معنای کلی آنها را تحلیل کرده است. مقاله نشان می‌دهد که معنا نقش اساسی در گزینش واژگان به‌عنوان فواصل آیات دارد و چپ‌نشین این واژه‌ها تنها به‌خاطر زیبایی ظاهری نیست، بلکه معنا نیز تعیین‌کننده است.

«چالش‌های ارتباط معنایی فواصل با محتوای آیات» اثر علی اصغر آخوندی (۱۳۹۷): این مقاله علاوه بر این که بر اهمیت تحلیل ارتباط میان فواصل و محتوای آیات از منظر بلاغت و زیباشناسی تمرکز دارد به چالش‌ها و مشکلات تناسب فواصل آیات با مضامین آنها پرداخته و راه‌حلی برای برطرف کردن آنها ارائه داده است.

«نوآورانه‌های المیزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه» اثر علی‌اصغر آخوندی و محمدحسین مدنی (۱۴۰۲): این پژوهش با مرور ادبیات تفسیری، ۱۷ نوع ارتباط معنایی میان فواصل و محتوای آیات را شناسایی کرده و به نوآوری‌های علامه طباطبایی در این زمینه پرداخته است.

«بررسی تطبیقی آرای تفسیری آیت‌الله جوادی و علامه طباطبایی در چگونگی ارتباط معنایی و محتوایی فواصل آیات» نوشته علی‌اصغر آخوندی (۱۴۰۲): این مقاله به تحلیل ۲۹ گونه پیوند معنایی فواصل با محتوای آیات پرداخته و تفاوت‌های رویکردی میان دو مفسر بزرگ معاصر را بررسی کرده است.

شناخت پیوندهای معنایی میان فواصل آیات و محتوای آن‌ها یکی از عرصه‌هایی است که علی‌رغم اهمیت، کمتر به صورت نظام‌مند مورد پژوهش قرار گرفته است. بخش عمده آثار پیشین یا به صورت پراکنده به برخی جنبه‌های بلاغی فواصل پرداخته‌اند یا تنها نمونه‌هایی محدود از تناسب معنایی را بررسی کرده‌اند. از سوی دیگر، مطالعات موجود اغلب معطوف به تفاسیر عربی بوده و بررسی دقیق فواصل در میان تفاسیر فارسی‌زبان کمتر دیده می‌شود.

آنچه ضرورت این پژوهش را دوچندان می‌کند، روش‌مندی خاص تفسیر نمونه در بیان کارکردهای معنایی فواصل است؛ زیرا مفسران این تفسیر، برخلاف بسیاری از تفاسیر دیگر، به صورت گسترده و با تصریح روشن، نقش فواصل را در تقویت پیام، توضیح محتوای آیه، هشدار، تعلیل و... بیان کرده‌اند. این ویژگی، امکان استخراج یک مدل از گونه‌های ارتباط معنایی از فواصل را فراهم می‌سازد.

نوآوری این پژوهش را در سه محور اصلی می‌توان تبیین کرد: استخراج و صورت‌بندی یک مدل جامع از تناسب معنایی فواصل بر اساس داده‌های تفسیر نمونه؛ مدلی که در پژوهش‌های پیشین به صورت مستقل ارائه نشده است. تحلیل روشمند و ساختاری نقش فواصل و نشان دادن این که فواصل، صرفاً عناصر آهنگین نیستند، بلکه کارکردهای معنایی دقیق و طبقه‌پذیر دارند. تمرکز بر یک تفسیر فارسی معاصر که به دلیل شفافیت بیان و توضیح‌دادن فواصل، ظرفیت کم‌نظیری برای مطالعه تناسب معنایی دارد و می‌تواند الگویی برای پژوهش‌های مشابه در دیگر تفاسیر باشد. این تفسیر به دلیل سبک روان و نگاه کاربردی به مفاهیم قرآنی، به تحلیل‌های دقیقی درباره پیوندهای معنایی پرداخته است.

بدین ترتیب، این پژوهش که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام شده، می‌کوشد ضمن روشن‌سازی جایگاه فواصل در ساختار معنایی آیات، سهم تفسیر نمونه را در تبیین این حوزه مشخص کرده و با ارائه گونه‌شناسی دقیق، راه را برای پژوهش‌های تطبیقی و نظری در آینده هموار سازد.

۱- مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث لازم است به بررسی مفاهیم اصلی این مقاله پرداخته شود:

۱-۱- فاصله

کلمه فاصله از ریشه «فصل» و به معنای جداسازی و تمییز دو چیز است. این واژه در لغت به مفاهیمی چون دیوار میان دو چیز، محل اتصال استخوان‌ها، و مهره‌ای که نظم موجود را جدا می‌کند اشاره دارد. فیروزآبادی می‌گوید: «الفصل، دیوار میان دو چیز است و مفصل، محل اتصال استخوان‌ها در بدن است. «الفاصله» مهره‌ای است که بین دو مهره دیگر قرار می‌گیرد و نظم را جدا می‌سازد» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۰۴۲؛ همچنین ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۱۲۶؛ ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۵۰۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۲۱؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۳۰، ص ۱۶۳؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۳۲۹؛ زبیدی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۳۶).

فاصله در معنای اصطلاحی در علوم قرآنی، تعاریف گوناگونی دارد. برخی آن را حروف پایانی همگون آیات دانسته‌اند که فهم معنا را آسان‌تر می‌کند (رمانی، ۱۳۸۷، ص ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷، ج ۶۱). برخی دیگر به واژه‌ها یا عبارات پایانی آیات اشاره کرده‌اند، بدون مشخص کردن اینکه منظور حرف، کلمه یا جمله است (راغب‌اصفهانی، بی‌تا، ج ۳۹۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۲۴). زرکشی و سیوطی فاصله را مانند قافیه در شعر و سجع در نثر تعریف کرده‌اند (زرکشی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۶). همچنین حسناوی آن را توافق حروف پایانی آیات از نظر وزن یا حروف روی می‌داند (حسناوی، ۱۴۰۶، ص ۲۹).

این تعاریف علی‌رغم درستی، به دلیل تنوع فواصل در قرآن، جامع و مانع نیستند. از این‌رو می‌توان تعریفی دقیق‌تر ارائه کرد: «فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوت: فواصل، حروف پایانی آیات هستند که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشد. و از جنبه دلالت: فواصل، عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات‌اند که دارای اهداف خاصی بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی قوی و وثیقی دارند» (آخوندی، ۱۴۰۲، ج ۳۱؛ ۱۳۹۵).

در این پژوهش، تمرکز بر جنبه دلالتی و محتوایی فاصله است.

۱-۲- تناسب

واژه «تناسب» در لغت به معنای نسبت داشتن با یکدیگر، وجود رابطه و پیوند میان دو چیز، سازگاری، موافقت، هماهنگی، نزدیکی، هم‌شکلی و همانندی است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۴؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲-۱، ص ۶۰۲؛ شرتونی، ۱۴۰۳، ذیل تناسب).

«تناسب» در اصطلاح علوم قرآنی، به معنای هم‌بستگی و پیوند معنایی میان آیات است. این پیوند ممکن است به اشکال مختلفی ظاهر شود: عام و خاص، عقلی، حسی، خیالی، یا ارتباط‌هایی نظیر سبب و مسبب، علت و معلول و حتی دو مفهوم مخالف و متضاد که انسجام موضوعی را نمایان می‌کنند (زرکشی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵).

برخی از محققان بر این باورند که علم مناسبات قرآن دانشی است که علل نظم و ترتیب اجزای قرآن را روشن می‌کند و اسرار بلاغی آن را آشکار می‌سازد؛ زیرا نتیجه این علم اثبات هماهنگی معانی با مقتضای حال مخاطبان است (بقاعی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵). در این حوزه، ارتباط میان موضوعات یک آیه، پیوند دو یا چند آیه، و حتی رابطه سوره‌ها با یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرد (مسلم، ۱۴۱۸، ص ۵۸).

در این پژوهش، منظور از تناسب، پیوند و هماهنگی معنایی میان فاصله‌ها و محتوای آیه مربوطه است.

۲- مناسبت‌های معنایی فواصل در تفسیر نمونه

با توجه به کارکردهای متمایز فواصل، پیوندهای معنایی آنها با محتوای آیات در دو قالب اصلی زیر قابل دسته‌بندی و تحلیل است:

۱. پیوندهای ساختاری-موضوعی: این دسته شامل آن دسته از روابطی می‌شود که فاصله، ساختار معنایی آیه را تکمیل، تفسیر یا تقویت می‌کند؛ بدون آنکه خطاب مستقیم به گروه خاصی از انسان‌ها در کار باشد. مصادیق این دسته شامل تأکید، تعلیل (بیان علت)، تفسیر، تکمیل و نتیجه‌گیری می‌گردد.

۲. پیوندهای مخاطبی-کنشی: این دسته شامل روابطی است که فاصله به طور مستقیم درصدد تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن کنشی در اوست. این تأثیر می‌تواند صور مختلفی چون تشویق، تهدید، هشدار، تسلیت یا سرزنش را به خود بگیرد.

این تقسیم‌بندی به ما امکان می‌دهد تا فواصل قرآن را با دقت بیشتری تحلیل کنیم و رابطه میان آن‌ها و محتوای آیات را بهتر بشناسیم.

۲-۱- مناسبت‌های ساختاری-موضوعی

پیوند معنایی ساختاری موضوعی به نوع ارتباطی اشاره دارد که فاصله آیه با مضمون یا موضوع آن برقرار می‌کند. در این نوع پیوند، فاصله ممکن است نقش‌هایی همچون تعلیل، تأیید، توضیح یا تکمیل پیام آیه را ایفا کند. ویژگی اصلی این گونه آن است که ارتباط فاصله صرفاً به محتوای موضوعی آیه محدود می‌شود و خطاب مستقیمی به مخاطبان آیه یا انسان‌های دیگر نشده است. گونه‌های تناسب معنایی در مدل ساختاری موضوعی در تفسیر نمونه را می‌توان در موارد ذیل مشاهده کرد:

۲-۱-۱- بیان هدف، غایت و غرض آیه

نکته مهم در کلام آن است که متکلم هدف خود را به‌طور صریح و آشکار بیان کند. ویژگی بلاغی برجسته‌ای که در بسیاری از آیات قرآن وجود دارد بیان غرض آیه در پایان آن است که البته به شیوه‌های مختلف بیان شده است. یکی از شیوه‌ها، استفاده از واژه «لَعَلَّ» است که در زبان عربی غالباً به معنای امید، هدف یا علت به کار می‌رود. نقش «لَعَلَّ» به‌عنوان یک ابزار زبانی برای نشان دادن انتظار خداوند از مخاطب و یکی از شاخص‌های تعیین هدف در آیات قرآنی برجسته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۸، ص ۱۳۰؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۲، ص ۵۲۶). مفسران نمونه در آیات فراوانی به این ابزار زبانی و شاخص برجسته توجه داشته‌اند؛ از جمله در تفسیر آیه ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل‌عمران/۱۰۳) بیان کرده‌اند که جمله «خداوند این چنین آیات خود را روشن می‌سازد تا هدایت شوند» در پایان آیه، هدف نهایی خداوند را که همان هدایت و نجات انسان‌ها بیان کرده است مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۵).

۲-۱-۲- تأکید محتوای آیه

یکی از ویژگی‌های برجسته قرآن کریم، استفاده از فواصل به عنوان ابزاری برای تأکید بر محتوای آیات است که از پرکاربردترین انواع تناسب معنایی به شمار می‌آید. در موارد بسیاری، فرجام آیه مضمون آن را تأکید می‌نماید و مخاطب را به تأمل بیشتر در پیام دعوت می‌نماید. در تفسیر نمونه نیز نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که مفسران به تأکید محتوا نظر دارند؛ از جمله در آیه ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رَجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (بقره/۵۹) که عبارت ﴿بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ به عنوان تأکیدی بر علت مجازاتشان که همان ظلم و فسقشان است تفسیر شده است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۷۰).

در آیه ﴿هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (آل‌عمران/۶۶) نیز ارتباط جمله ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ با محتوای آیه از دیدگاه مفسران نمونه آن است که برای تأکید مطالب گذشته آمده است. بله خدا می‌داند که در چه تاریخی آیین خود را بر ابراهیم نازل کرده است و شما که در زمان‌های بعد به وجود آمده‌اید در این باره اطلاع ندارید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰۵).

در آیه ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۲۲) نیز دیدگاه مفسران نمونه است که سه تعبیر شدید درباره ازدواج با همسران پدر در پایان آیه برای تأکید مطلب آمده است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۶۲). به نظر می‌رسد که این سه تعبیر به جای این که تأکید مطالب گذشته باشد، بیشتر به علت حکم آیه پرداخته است.

جمله ﴿وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ در پایان آیه ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (اسراء/۸۸) تأکید مجددی است روی مسأله همفکری و تعاون و ضمناً اشاره سربسته‌ای است به اهمیت و تأثیر این کار در پیشبرد هدفها (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۷۵).

بنابراین یکی از پرکاربردترین انواع پیوند معنایی که در تفسیر نمونه به آن توجه شده است، تأکید است.

۲-۱-۳- تفسیر، توضیح و تبیین محتوای آیه

یکی از انواع تناسب معنایی میان جمله پایانی و محتوای آیه، تفسیر، توضیح و تبیین محتوای آیه است. به عبارتی، فاصله آیه می‌تواند تفسیر یا توضیحی از تمام یا بخشی از آن باشد. این فاصله می‌تواند در پایان آیه معنای آن را شفاف‌تر کرده و مفهوم خاصی را برجسته نماید. تحلیل نقش تفسیری فواصل آیات، ارتباط میان

ساختار و معنا در متن قرآن را نشان می‌دهد و به تقویت فهم مخاطب می‌انجامد. همچنین فواصل به‌عنوان ابزارهای تأکید و توضیح، مخاطب را به درک عمیق‌تر مفاهیم هدایت کرده و نظم معنایی را ایجاد می‌کنند. بدین‌صورت که با ارائه توضیحات پایانی، فاصله‌ها نظم معنایی آیات را تقویت کرده و از ابهام جلوگیری می‌کنند. این ساختار در فواصل به انسجام بیان مفاهیم قرآنی کمک می‌کند.

مکارم شیرازی و همکاران در تفسیر نمونه از این نقش فواصل برای توضیحات بهتر و ارائه مصادیق روشن‌تر بهره برده‌اند. به نمونه‌های از این گونه توجه کنید:

جمله‌ی ﴿صُمُّ بَعْضٌ بَعْضٌ فَمَنْ يَعْقِلُونَ﴾ در پایان آیه ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْإِنْعَامِ لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بَعْضٌ بَعْضٌ فَمَنْ يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۷۱) به‌عنوان یک فاصله، ویژگی‌های کافران را با تأکید بیشتری توضیح می‌دهد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۷۸).

جمله ﴿فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ در فرجام آیه ﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (انعام/۵۴) در حقیقت توضیح و تفسیر رحمت الهی است که با تعبیری محبت‌آمیز چنین می‌گوید: «هرکس از شما کاری از روی جهالت انجام دهد، سپس توبه کند و اصلاح و جبران نماید، خداوند آمرزنده و مهربان است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۵۹).

در آیه ﴿الرَّحْمَةُ أُنزِلَتْهَا إِلَيْكَ لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم/۱) نیز عبارت ﴿إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ در پایان آیه به‌عنوان فاصله، مفهوم «نور» را تبیین می‌کند. برای توضیح و تبیین بیشتر که منظور از نور در این آیه چیست، می‌فرماید: ﴿إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ این نور، هدایت به مسیر خداوندی است که عزتش دلیل قدرت او و حمید بودنش نشانه نعمت‌ها و مواهب بی‌پایان اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۶۳).

۲-۱-۴- تمیم و تکمیل محتوای آیه

در برخی آیات قرآن، جمله پایانی به‌منظور تکمیل و اتمام معنای آیه به کار می‌رود. این ویژگی به نوعی به وضوح دادن به پیام آیه کمک می‌کند و می‌تواند ابعاد جدیدی از مفهوم آن را نمایان سازد. در تفسیر نمونه، این مطلب در تفسیر برخی از آیات مشاهده می‌شود که چگونه جمله پایانی، با اشاره به محتوای قبلی، به تجلی و تبیین بهتر معنی اصلی کمک کرده و آن را تکمیل و تمیم نموده است:

جمله پایانی آیه ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران/۱۸۵) بحث گذشته را تکمیل می‌کند و بیان می‌کند این زندگی و عوامل سرگرم کننده آن از دور فریبندگی خاصی دارد، اما به هنگامی که انسان به آن دست می‌یابد و از نزدیک آن را لمس می‌کند، معمولاً چیزی توخالی به نظر می‌رسد و معنی «متاع غرور» نیز چیزی جز این نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۳۲).

همچنین است جمله ﴿ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ در آیه ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أُمْرَهَا وَزَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (فصلت/۱۲) که در حقیقت مکملی است برای جمله‌های قبل و می‌گوید: تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آغاز آفرینش، سپس دوران شکل‌گیری و نظم دقیق رخ داده، همه برنامه حساب شده‌ای داشته که از ناحیه مبدأ بی‌پایان علم و قدرت تنظیم گردیده و اندیشه و تفکر در هر کدام راهی به سوی آن مبدأ بزرگ می‌گشاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۲۳۱).

۲-۱-۵- تعلیل محتوای آیه

تعلیل به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فهم معنای آیات قرآن، به بیان علت یا انگیزه‌ای می‌پردازد که محتوای قبلی آیه را توجیه می‌کند. این نوع پیوند معنایی به مخاطب کمک می‌کند تا نه تنها محتوای آیه را درک کند، بلکه دلیل و چرایی آن را نیز بفهمد. به طور کلی، تعلیل می‌تواند به روشن‌سازی مفاهیم و هدایت مخاطب به سمت درک عمیق‌تر از محتوای آیه کمک کند. وقتی که جمله پایانی به‌عنوان علت مطرح می‌شود، ارتباط مستقیمی میان دو بخش آیه ایجاد می‌کند که موجب انسجام و هم‌خوانی معنا می‌شود.

از دیگر مزایای تعلیل در آیات قرآن این است که می‌تواند به تبیین شرایط و زمینه‌های خاصی که در محتوای آیه به آن پرداخته می‌شود، بپردازد. تعلیل در مقایسه با دیگر انواع مناسبت‌های معنایی مانند تأکید یا تأیید دارای عمومیت بیشتری است و می‌تواند در طیف وسیع‌تری از آیات به کار رود. به عبارتی، در حالی که تأکید و تأیید ممکن است به موارد خاصی محدود شوند، تعلیل در بیان بسیاری از آیات می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و به تبیین محتوا و مضامین مختلف کمک کند.

بنابراین، تعلیل به عنوان ابزاری مؤثر در فهم آیات، نقش بسیار مهمی در تفسیر و تحلیل معانی قرآن دارد و به مفسران کمک می‌کند تا به درک بهتری از اهداف و پیام‌های الهی دست یابند. از همین رو مفسران نمونه نیز در تفسیر بسیاری از فواصل آنها را به عنوان تعلیل محتوای آیه تبیین کرده اند. به نمونه‌های ذیل بنگرید:

جمله ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ در پایان آیه ﴿وَلِكُلِّ وُجْهٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۱۴۸) به منزله دلیل و تأکیدی بر جمله قبل از خود یعنی ﴿أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ عمل می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۰۲).

در پایان آیه ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (آل عمران/۱۱۲)، دلیل سرنوشت شوم یهود بیان شده است. این آیه تأکید می‌کند که این قوم به خاطر نژاد یا ویژگی‌های خاص خود به چنین سرنوشتی دچار نشده‌اند، بلکه به دلیل اعمال نادرستشان، نظیر گناه و تجاوز به حقوق دیگران، به این وضعیت دچار شده‌اند: ﴿ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾. بنابراین، هر قوم و ملتی که چنین اعمالی را مرتکب شوند، مسلماً سرنوشتی مشابه خواهند داشت (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۷۰-۷۱).

همچنین در پایان آیه ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تُنْفِقُونَ مِمَّا إِلَّا أَنْ أَمَّنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَاسِقُونَ﴾ (مائده/۵۹) جمله‌ای می‌بینیم که در حقیقت بیان علت جمله قبل است، این جمله می‌گوید: «اگر شما توحید خالص و تسلیم در برابر تمام کتب آسمانی را بر ما ایراد می‌گیرید به خاطر آن است که بیشتر شما فاسق و آلوده به گناه شده‌اید، چون خود شما آلوده و منحرف‌اید اگر کسانی پاک بر جاده حق باشند در نظر شما عیب است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۴۱).

جمله ﴿إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (مؤمنون/۵۱) به عنوان دلیلی مستقل برای انجام عمل صالح مطرح می‌شود. زیرا وقتی انسان بداند که کسی همواره ناظر بر اعمال اوست و هیچ چیزی از او مخفی نمی‌ماند و حساب اعمالش به دقت نگاه‌داری می‌شود، بدون شک این آگاهی در اصلاح رفتار او تأثیرگذار خواهد بود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۲۵۵).

۲-۱-۶- تفریع و نتیجه‌گیری از محتوا

تنظیم سخن به گونه‌ای که در پایان به نتیجه‌گیری برسد، امری طبیعی و منطقی است که نشان‌دهنده تفکر منسجم و سازمان‌یافته فرد است. اگر شخصی کلام خود را به واحدهای کوچکتری تقسیم کرده و در پایان

هر واحد از مباحث مطرح شده نتیجه‌گیری کند، این روش موجب افزایش شفافیت و درک بهتر می‌شود و به مخاطب کمک می‌کند تا ارتباط مفاهیم را به‌خوبی دریابد.

هر یک از آیات قرآن به‌عنوان یک واحد معنایی و ساختاری از سوره‌ها عمل می‌کند و در بسیاری از مواقع، می‌تواند یک مطلب کامل و جامع را ارائه دهد. بر این اساس، هر آیه می‌تواند نهایتاً با نتیجه‌گیری از مطالب مطرح شده در آن خاتمه یابد و این نتیجه‌گیری به پیشرفت فهم مخاطب کمک می‌کند.

آیت‌الله مکارم شیرازی و همکارانش نیز معتقدند که جمله پایانی برخی از آیات، نه تنها جمع‌بندی بلکه تفریع و نتیجه‌گیری از محتوای همان آیه است. به این معنا که آیه در پایان، به‌وضوح بیان می‌کند که نتیجه‌ای که از مباحث پیشین گرفته می‌شود کدام است. این ویژگی، قابلیت آیات قرآن را در ارائه معانی عمیق‌تر و درک بهتر و دقیق‌تر از آنچه گفته شده، افزایش می‌دهد. به نمونه‌هایی از این نوع تناسب دقت کنید:

در پایان آیه ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمَىٰ فَهَمَّ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۷۱) بعد از آنکه کافران به خاطر عدم استفاده از ابزار شناخت به افرادی کر، لال و نابینا تشبیه می‌شوند، با استفاده از «فاء تفریع» که برای نتیجه‌گیری به کار رفته است، بلافاصله گفته می‌شود: «بنابراین، آن‌ها چیزی نمی‌فهمند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۷۹).

جمله ﴿وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ در آیه ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (ال عمران/۱۴۱) در واقع نتیجه‌ای برای جمله قبل است؛ زیرا هنگامی که مؤمنان در کوره حوادث پاک می‌شوند، آمادگی کافی برای از بین بردن تدریجی شرک و کفر و پاک‌سازی جامعه از این آلودگی‌ها را پیدا می‌کنند. بدین معنا که نخست باید خود از آلودگی پاک‌سازی شوند و سپس اقدام به پاک‌سازی دیگران نمایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۳۳).

در پایان آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام/۲۰) به عنوان یک نتیجه‌نهایی بیان می‌شود: ﴿الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾. این بدان معناست که تنها کسانی به این پیامبر (ص) که با این همه نشانه‌های روشن همراه است، ایمان نمی‌آورند که در بازار تجارت زندگی، همه چیز خود را از دست داده و سرمایه وجود خویش را باخته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۸۲).

۲-۱-۷- جمع‌بندی مطالب آیه

فرجام برخی آیات به‌طور واضح جمع‌بندی مطالبی است که در آن آیه یا مجموعه آیات هم‌سیاق ارائه شده است. این ویژگی باعث می‌شود که مخاطب با خواندن آیه به یک جمع‌بندی کلی دست یابد. مفسران قرآن به این نکته توجه کرده‌اند که جمله‌های پایانی در این آیات به‌نوعی روند تفکر و موضوعات مطرح‌شده را جمع‌بندی می‌کنند و به تبیین دقیق‌تری از معانی آیات می‌پردازند.

در تفسیر نمونه، این موضوع به‌وضوح دیده می‌شود و می‌توان نمونه‌هایی از آیات را بررسی کرد که در آن‌ها جمع‌بندی مطالب، نتیجه‌گیری روشنی را به دنبال داشته است. این نوع نتیجه‌گیری نه تنها به ارتقاء فهم مخاطب از آیه کمک می‌کند، بلکه به انسجام معنایی متن نیز می‌افزاید. با این رویکرد، مخاطب می‌تواند ارتباط بین اجزای مختلف آیه و پیام کلی آن را بهتر درک کند. به عنوان مثال، در آخرین جمله آیه ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص/۴)، آیه به صورت یک جمع‌بندی و نیز بیان علت می‌فرماید: «او به‌طور مسلم از مفسدان بود» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۱۴).

۲-۱-۸- زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی برای بعد

در برخی موارد، اگرچه فاصله به‌نوعی با محتوای آیه خود در ارتباط است، اما نقش و وظیفه اصلی آن زمینه‌چینی برای محتوای آیه بعدی است. به عبارت دیگر، این فاصله‌ها به‌عنوان مقدمه‌ای بر آیات بعدی عمل کرده و به مخاطب کمک می‌کنند تا با پیش‌زمینه‌ای مناسب وارد موضوعات جدید شوند.

مفسران نمونه فاصله آیه ﴿هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (آل‌عمران/۶۶) را از این نوع می‌دانند، زیرا به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه این آیه به تحکیم و تبیین مطالب آینده کمک می‌کند و زمینه‌ای برای فهم بهتر معانی و مضامین آیات بعدی ایجاد می‌کند. در این آیه برای تأکید بر مطالب گذشته و آماده‌سازی برای بحث آینده بیان می‌شود: «خدا می‌داند و شما نمی‌دانید». آری، او می‌داند که در چه تاریخی آئین خود را بر ابراهیم نازل کرده است، نه شما که در زمان‌های بعد به وجود آمده‌اید و بدون اطلاع و مدرک، در این باره قضاوت می‌کنید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰۵).

۲-۱-۹- سرچشمه و منشأ محتوای آیه

این عنوان به دلیل نزدیکی به مفهوم تعلیل می‌تواند تحت این عنوان قرار گیرد. با این حال به نظر می‌رسد مفسران در برخی موارد به‌طور عمد و با دقت از واژه «سرچشمه» بهره برده و واژه‌هایی مانند تعلیل، علت، دلیل، راز و سبب را به‌کار نبرده‌اند. این دقت در انتخاب واژه نشان می‌دهد که مفسران قصد دارند تا به‌نوعی بر جنبه‌ای خاص از ارتباط بین فاصله و محتوای آیه تأکید کنند. به این ترتیب، می‌توانیم ارتباط فاصله آیه با متن آن را به‌طور دقیق‌تری بررسی کنیم. این ارتباط می‌تواند به ما کمک کند تا درک بهتری از منشأ و اساس محتوای آیه داشته باشیم و به تبیین معانی و مفاهیم آن بپردازیم. به این ترتیب، شناسایی و تحلیل سرچشمه‌های محتوایی در آیات نه تنها به غنای فهم ما از متن کمک می‌کند بلکه همچنین بینش عمیق‌تری از ساختار و نظام معنایی قرآن برای ما به ارمغان می‌آورد. به یک نمونه در تفسیر نمونه توجه کنید:

از جمله پایانی آیه ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَنُحُورًا﴾ (نساء/۳۶) برمی‌آید که سرچشمه اصلی شرک و پایمال کردن حقوق مردم غالباً خودخواهی و تکبر است و ادای حقوق ذکر شده در آیه، مخصوصاً در مورد بردگان و یتیمان و مستمندان و مانند آن‌ها نیاز به روح تواضع و فروتنی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۲۵).

۲-۲- مناسبت‌های مخاطبی-کنشی

این نوع تناسب بیشتر با مخاطبان آیه یا گروه‌هایی که آیه درباره آن‌ها سخن می‌گوید، مرتبط است. فاصله در این موارد جنبه‌ای هدایتی، تربیتی یا اخلاقی دارد. به عبارت دیگر، این پیوندها به‌منظور تأثیرگذاری بر مخاطب و تعامل با او طراحی شده‌اند. فاصله‌ای که در این نوع آیات دیده می‌شود، ممکن است به‌صورت تهدید، تشویق، تنبیه یا تحریض عمل کند و به این ترتیب مخاطب را به واکنش‌هایی نظیر تفکر، تأمل، پذیرش، انکار یا عمل دعوت کند. این پیوندها به‌ویژه در آیات اعتقادی، اخلاقی و تربیتی بیشتر به چشم می‌خورد، جایی که قرآن سعی دارد رفتار و نگرش مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را به سمت رفتارهای مثبت و مفید سوق دهد.

۲-۲-۱- اعتراض

فرجام برخی از آیات به طور خاص معطوف به اعتراض به موضع گیری دشمنان و منافقان است و به طور واضح در دسته پیوندهای معنایی مخاطبی کنشی قرار می گیرد. این نوع اعتراض، با سرزنش و بازخواست همراه است و هدف آن اصلاح رفتار یا نگرش مخاطبان است. این اعتراضات معمولاً به گونه ای طراحی شده اند که به مخاطب نشان دهند کجا دچار خطا یا نادرستی شده و از او می خواهند که به تفکر و تغییر رفتار خود بپردازد. با استفاده از زبان انتقادی و نشان دادن عواقب منفی اقدامات نادرست، این آیات سعی دارند تا از کم کاری و اشتباهات مخاطبان جلوگیری کنند و آن ها را به سوی اصلاح خود سوق دهند.

بنابراین، این نوع پیوند نه تنها به تبیین موضع قرآن در مواجهه با دشمنان و منافقان کمک می کند بلکه بر اهمیت احساس مسئولیت و تغییر نگرش در برابر حقایق و آموزه ها تأکید دارد.

این نوع در تفسیر نمونه در فاصله آیه ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ لَئِنْ كَادُونَ يَقْفَهُونَ حَدِيثًا﴾ (نساء/۷۸) مورد توجه قرار گرفته است. در پایان آیه، اعتراض به عدم تفکر و تعمق منافقان در موضوعات مختلف زندگی بیان شده است: «پس چرا این ها حاضر نیستند حقایق را درک کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۰).

۲-۲-۲- بشارت و انذار

فاصله آیه می تواند به طور خاص به معنای بشارت برای مؤمنان و متقیان باشد. این نوع فاصله به عنوان یک پیام امیدبخش عمل می کند و معمولاً به نوید نعمت ها و برکات الهی برای افرادی که در طریق تقوا و ایمان گام برمی دارند، اشاره دارد. این بشارت می تواند شامل مژده هایی از قبیل رحمت، بخشش و ثواب های اخروی باشد که خداوند برای مؤمنان در نظر گرفته است. به این ترتیب، فاصله مذکور نه تنها به تقویت ایمان و امید مؤمنان کمک می کند بلکه آن ها را به تلاش برای زندگی بهتر و انجام اعمال نیک ترغیب می کند.

همچنین، در کنار بشارت، انذار نیز یک جنبه مهم از این پیوند است؛ زیرا آیات می توانند به صورت هم زمان اخطار و هشدارهایی به کسانی که در مسیر نادرست در حرکتند، ارائه دهند. چنین تعادلی در پیام های آیات کمک می کند تا مخاطب بداند که با پیمودن راه درست، پاداش ها و نعمت هایی در انتظار اوست و در صورت انحراف، با عواقب سنگینی مواجه خواهد شد.

آخرین جمله آیه ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ (روم/۵۴) که اشاره به علم و قدرت خدا است، هم بشارت است و هم انداز، که خدا از همه اعمال و نیات شما آگاه است و نیز توانایی بر پاداش و کیفر شما دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸۰).

۲-۲-۳- تشویق، ترغیب و تحریک

برای اجرای صحیح قوانین و احکام الهی، تشویق‌ها و محرک‌هایی ضروری است. به همین دلیل، در پایان بسیاری از آیات، پس از ذکر مطالب اصلی، عبارات، اسما و صفاتی آمده که جنبه تشویق و ترغیب دارد. به عنوان مثال، عناوینی همچون ﴿أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (بقره/۲۶۹)، ﴿أُولُو الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران/۱۳) و ﴿أُولُو النُّهَى﴾ (طه/۵۴) در پایان برخی آیات استفاده شده است که همه نشان‌دهنده قابلیت و قدرت تفکر افراد انسانی است. این عبارات نه تنها تأکید بر توانایی عقل انسان و اهمیت و قدرت تفکر و خردورزی او دارند، بلکه به وسیله تثبیت نقش عقل در زندگی، انسان را برای استفاده از آن تحریک و ترغیب می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۱، ص ۱۱۱).

در تفسیر نمونه، می‌توان به آیاتی اشاره کرد که در پایان آن‌ها عبارات پایانی به عنوان تشویق‌کننده برای مخاطبان تفسیر شده است:

در پایان آیه ﴿الْفُقَرَاءَ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَعْيَاءَ مَنْ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۷۳) همگان را به انفاق از هرگونه خیرات تشویق کرده، می‌فرماید: ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾. این جمله برای تشویق انفاق‌کنندگان است، به‌ویژه انفاق به افرادی که دارای عزت نفس و طبع بلندی هستند. چه بسا در این موارد، بخشش‌هایی در پوشش غیر انفاق، ولی در واقع به قصد انفاق، صورت می‌گیرد تا طرف مقابل ناراحت نشود. مسلماً خداوند از این نیت‌های پنهانی آگاه است و آن‌ها را به تناسب نیت و زحماتشان بهره‌مند می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۵۸).

خداوند متعال در پایان آیه ﴿وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِي وَلَا أُخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ (انعام/۸۰)، برای تحریک فکر و اندیشه کافران، به آن‌ها با عبارت ﴿أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ خطاب می‌کند و می‌گوید: «آیا با این همه باز هم متذکر و بیدار نمی‌شوید؟» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۱۸).

همچنین جمله پایانی آیه ﴿مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾ (فصلت/۴۳) که می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾ در واقع بشارت و تشویقی برای مؤمنان و اندازی و تهدیدی برای کافران است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۳۰۳).

۲-۲-۴- تهدید و تحذیر

در عرف قانون‌گذاری، معمولاً زمانی که قانونی وضع می‌شود که عمل به آن ضروری است، قانون‌گذار سخن خود را با بیان ضمانت اجرایی آن قانون به پایان می‌رساند. این ضمانت اجرایی معمولاً شامل تهدیداتی است که در صورت عدم رعایت یا بد عمل کردن به آن قانون، مشکلات و عواقب جبران‌ناپذیری بروز خواهد کرد. از همین رو، خداوند در پایان بسیاری از آیات قرآن نسبت به عدم عمل به محتوای آیات تهدید می‌کند، و این پیوند معنایی فاصله با محتوا در بسیاری از آیات به شدت متوجه تهدید و تحذیر است. این تهدیدات معمولاً برای تأکید بر اهمیت رعایت قوانین الهی و آگاه کردن مخاطب از عواقب سنگین عدم عمل به معانی و آموزه‌های قرآن می‌باشد. برخی از این موارد در تفسیر نمونه عبارت‌اند از:

در پایان آیه ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (نساء/۱۵۱) کسانی که به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند را تهدید کرده می‌گوید: «ما برای کافران عذاب توهین‌آمیز و خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸۹).

فاصله آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده/۶۷) به عنوان یک تهدید و مجازات، برای کسانی است که این رسالت مخصوص را انکار می‌کنند و در برابر آن از روی لجاجت کفر می‌ورزند. در این آیه بیان می‌شود: «خداوند کافران لجوج را هدایت نمی‌کند» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳).

در پایان آیه ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال/۲۵) با زبانی تهدیدآمیز بیان می‌شود: «بدانید خداوند مجازاتش شدید است». مبدا لطف و رحمت خداوند آن‌ها را غافل کند و شدت مجازات‌های الهی را به دست فراموشی بسپارند؛ چرا که آشوب‌ها و فتنه‌ها ممکن است دامان آن‌ها را بگیرد، همان‌گونه که دامان جامعه اسلامی را گرفت و بر اثر فراموشی این سنن الهی، آن‌ها را به قهقرا کشانید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۳۲).

۲-۲-۵- دلگرمی به پیامبر و مسلمانان

برخی از فواصل آیات به خصوص نقش تسلیت و دلگرمی را برای پیامبر (ص) و مؤمنین ایفا می‌کنند. خداوند در انتهای این آیات، عبارت‌هایی را ذکر می‌کند که به وسیله آن‌ها پیامبر و مسلمانان را به مفاد آیه و همچنین به ایمان و تلاش خود، دلگرمی بیشتری می‌بخشد.

در پایان آیه ﴿وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمُ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (بقره/۲۴۰)، به نظر می‌رسد خداوند برای اینکه زنان بیوه از آینده‌ی خود نگران نباشند، آن‌ها را دلداری داده و می‌فرماید: خداوند قادر است که راه دیگری پس از فقدان شوهر پیشین در برابر آن‌ها بگشاید و اگر مصیبتی به آن‌ها رسیده، حتماً حکمتی در آن بوده است، زیرا «خداوند توانا و حکیم است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۱۲).

همچنین جمله ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ بعد از آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/۱۰۳) و چندین آیه دیگر در سوره شعراء که نقش فاصله برای سیاق آن آیات را دارد دلداری مؤثری است برای پیامبر(ص) و مؤمنان اندک در آن روز و همچنین اقلیت‌های مؤمن در هر عصر و زمان، تا از اکثریت گمراه وحشت نکنند و به عزت و رحمت الهی دلگرم باشند. این جمله همچنین تهدیدی برای گمراهان است و اشاره دارد به اینکه اگر مهلتی به آن‌ها داده می‌شود، نه از جهت ضعف، بلکه به خاطر رحمت الهی است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۲۷۳).

۲-۲-۶- سرزنش و توبیخ

سرانجام برخی از آیات قرآن به سرزنش و توبیخ افرادی اختصاص دارد که در آیه مورد گفتگو قرار گرفته‌اند. این پیام‌ها به‌عنوان ابزاری مؤثر برای اصلاح رفتار و نگرش مخاطبان به کار می‌روند و معمولاً در مواردی به کار می‌روند که قرآن به انتقاد از کارهای ناپسندها یا اشتباهات برخی افراد یا گروه‌ها می‌پردازد. این نوع پیوندها تأکید می‌کنند که نه تنها در برابر خطاها باید پاسخگو بود، بلکه اصلاح و بهبود رفتار نیز مسئولیتی است که بر عهده هر فرد قرار دارد. از این رو، این آیات می‌توانند به‌عنوان یک پیام اخلاقی و تربیتی عمل کنند که هدف نهایی آن رشد و تعالی فردی و اجتماعی است. در آیات ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (مؤمنون/۸۵) ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ (مؤمنون/۸۷) ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾ (مؤمنون/۸۹) جالب است که پس از ذکر سؤال و جواب اول، جمله ﴿أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ و پس از سؤال و جواب دوم ﴿أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ و پس از سؤال و جواب سوم

﴿فَأَنى تُسْحَرُونَ﴾ آمده است. در حقیقت این‌ها تویخ و سرزنش‌هایی است که مرحله به مرحله شدیدتر می‌شود و یکی از روش‌های معمول در تعلیم و تربیت منطقی است که وقتی بخواهند کسی را با سه دلیل محکوم کنند نخست او را به طور معمول مورد سرزنش قرار می‌دهند، بعداً شدیداً و سرانجام شدیدتر! (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۲۹۹).

در پایان آیه ﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (مائده/۶۳) قرآن به همان شکل که گناهکاران اصلی را مذمت نمود، دانشمندان ساکت و ترک‌کننده امر به معروف و نهی از منکر را مورد مذمت قرار داده، می‌گوید: ﴿لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۴۷).

۲-۲-۷- هشدار و آگاهی

برخی از عبارات در پایان آیات قرآن به صورت خاص برای انذار و هشدار به کار می‌روند. این عبارات هدفی مشخص دارند؛ آن هم آگاه‌سازی مخاطبان از عواقب ناگوار عدم رعایت اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی؛ از جمله این عبارات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در پایان آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِن أَطَعْنَكُم فَلَ تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً﴾ (نساء/۳۴) به مردان هشدار می‌دهد که از موقعیت سرپرستی خود در خانواده سوء استفاده نکنند و به قدرت خدا که بالاتر از همه قدرت‌هاست بیندیشند «زیرا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۸۶).

جمله ﴿أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ در آیه ﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (یس/۶۸) هشدار عجیبی به انسان‌ها می‌دهد و می‌گوید: اگر این قدرت و توانایی که دارید عاریتی نبود به این آسانی از شما گرفته نمی‌شد، بدانید دست قدرت دیگری بالای سر شماست که بر هر چیز تواناست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۴۳۷).

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که پیوندهای معنایی میان فواصل و محتوای آیات قرآنی در تفسیر نمونه از تنوع و غنای زیادی برخوردارند. مفسران این تفسیر با بهره‌گیری از ابزارهای تفسیری، نقش فواصل آیات را در انتقال معانی و اهداف الهی برجسته کرده‌اند.

همچنین این پژوهش نشان داد که فواصل آیات در تفسیر نمونه فراتر از نقش بلاغی و زیبایی‌شناختی، به‌عنوان ابزاری تفسیری و معنایی عمل می‌کنند. این فواصل با برجسته‌سازی پیام‌های قرآنی و تقویت انسجام ساختاری میان آیات، نقشی کلیدی در تبیین مفاهیم قرآن کریم ایفا می‌کنند.

این پژوهش تناسب معنایی فواصل در تفسیر نمونه را در دو دسته کلی تحلیل کرد:

تناسب ساختاری-موضوعی: شامل نه مناسبت (بیان هدف و غایت، تأکید، تفسیر و تبیین، تکمیل و متمیم، تعلیل، تفریع و نتیجه‌گیری، جمع‌بندی، زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی و سرچشمه و منشأ) که با محتوای آیات پیوند مستقیم دارند. این مناسبت‌ها به درک بهتر اهداف الهی و برجسته‌سازی نکات محوری آیات کمک می‌کنند.

تناسب مخاطبی-کنشی: شامل هفت مناسبت (اعتراض، بشارت و انذار، تشویق و ترغیب، تهدید و تحذیر، دلگرمی و تسلیت، سرزنش و توبیخ و هشدار و آگاهی) که بیشتر بر جنبه‌های هدایتی، اخلاقی، و تربیتی آیات متمرکز هستند و بر تأثیرگذاری بر مخاطب تأکید دارند.

نتایج این پژوهش، الگویی برای مطالعات تفسیری مشابه فراهم کرده و نشان داده است که تحلیل پیوندهای معنایی فواصل می‌تواند به درک ساختاری‌تر و مفهومی‌تر از قرآن کریم منجر شود. این یافته‌ها می‌توانند به توسعه روش‌های نوین در تحلیل تفاسیر قرآنی و تقویت ارتباط میان محتوای آیات کمک کنند.

منابع

قرآن کریم.

آخوندی، علی اصغر. (۱۴۰۲). *فواصل حسن ختام آیات*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

آخوندی، علی اصغر. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی». *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)*. ش ۴۴، ۸۱-۹۶.

آخوندی، علی اصغر. (۱۳۹۷). «چالش‌های ارتباط معنایی فواصل با محتوای آیات». *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ش ۳۷، ۴۱-۷۳.

آخوندی، علی اصغر. (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی آرای تفسیری آیت‌الله جوادی و علامه طباطبایی در چگونگی ارتباط معنایی و محتوایی فواصل آیات». مطالعات تفسیر تطبیقی. ش ۱۵، ۱۹۲-۲۱۳.

آخوندی، علی اصغر، محمدحسین مدنی. (۱۴۰۲). «نوآورانه‌های میزان در تبیین ارتباط فاصله با محتوای آیه». تفسیر پژوهی اثری. ش ۲۰، ۳۸-۱۳.

ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الاعظم. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۳۹۹ق). معجم المقاییس اللغه. بیروت: دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

ازهری، محمد بن احمد. (۲۰۰۱م). تهذیب اللغه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

باقلانی، محمد بن طیب. (۱۹۹۷م). اعجاز القرآن. قاهره: دار المعارف.

بقاعی، برهان الدین. (۱۴۱۵ق). نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. بیروت: دارالکتب العلمیه.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱-). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: نشر اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.

حسناوی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفاصله فی القرآن. بیروت: المكتب الاسلامی.

حسینی زاده، سیدعبدالرسول. (۱۳۹۵). «ارتباط معنایی اسمای حسناى خداوند در فواصل آیات با محتوای آن‌ها». مشکوه. ش ۳۵، ۴۲-۶۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. معجم مفردات الفاظ القرآن. بی‌جا: دار الکاتب العربی.

رمانی، علی بن عیسی، خطابی، عبدالقادر جرجانی. (۱۳۸۷ق). النکت فی اعجاز القرآن. فی ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن. قاهره: دار المعارف.

زبیدی، محمد بن محمد. (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بی‌جا: دار الهدایه.

زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفه.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (بی‌تا). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دار الجیل.

شرتونی، سعید خوری. (۱۴۰۳ق). الاقرب الموارد. قم: مکتبه آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۰). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. چاپ چهارم. تهران: بنیاد علامه طباطبایی.

عبداللهزاده، فواد، فرهاد عبداللهزاده و حیدر عبداللهزاده. (۱۳۹۶). «رابطه فاصله آیات قرآن کریم با معنا». اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق). القاموس المحيط. بیروت: مؤسسه الرسالة.

مسلم، مصطفی. (۱۴۱۸ق). مباحث فی التفسیر الموضوعی. دمشق: دارالقلم.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر. قم: دارالهجرة.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۹). تفسیر نمونه. چاپ سی و هشتم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

پلیس از انتشار